

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

اشعار لاهوتی قطعه ها و منظومه ها
فرستنده : جاوید
۱۱ سپتمبر ۲۰۱۸

ترک عشق

بس که کردی ستم ، از عشق تو دندان کندم بین چه سان پرنهرم من ، که دل از جان کندم
ای دریغا ، که جوی در نظرش قدر نداشت آن همه جان ، که من اندر ره جانان کندم

پاسخ به تبریک با تیلیفون

خوش بود خوشبختی اما خوشتر است آن دم که جان دوستان را گرم سازد چون شود روشن از آن
روی شاد دوست را می بینم از آواز او جوشد و آید به دل شادی و بر جسم توان

شب هجران

چشم و گوش کسی ای ماه ، نه دید و نه شنید آن ستم ها که شب هجر تو ، با این دل کرد
نفس اشکی شد و از دل به ره دیده پرید خواب دردی شد و از دیده به دل منزل کرد

تو را دیدم

با یاد تو خوابم برد ، در خواب تو را دیدم از پنجره ام تابید مهتاب ، تو را دیدم
شادان مژه بگشودم ، بگریختی از چشمم از درد فشاندم اشک ، در آب تو را دیدم